

بررسی آیات جهاد و نقد دیدگاه برخی مستشرقان

احمد محمدی مجد^۱، عاقله صابری^۲

چکیده

جهاد یکی از فروع دین اسلام و به معنی کوشش و تلاش مضاعف همه جانبه برای اعتلای کلمه الله و تحقق حاکمیت الهی بر روی زمین است. جهاد، دفاعی براساس اعتقادات پذیرفته شده تمام بشریت با وجود اختلافات فاحش بین اقوام مختلف، امری مقبول و مشروع است. جهاد ابتدایی در اسلام براساس آموزه‌های دینی، شرایط ویژه خود را دارد مانند حضور معصوم و اذن ایشان به جهاد که در این صورت باتوجه به عصمت معصوم و عدم دخالت هوی و هوس و منافع شخصی، این جهاد نیز از تمام اشکالات مطرح شده میراست. جهاد، تلاشی است برای کسب آزادی در بیان حقایق، رفع موانع و آزاد کردن انسان‌ها از زیر بار ستمگران تا آحاد ملت بتوانند خود با آزادی عقیده و عمل راه صحیح را انتخاب کنند. براساس نظر اسلام، اصل نه صلح است و نه جنگ، بلکه مسئله به اختلاف موارد گوناگون است. اصل مشروعیت جهاد ابتدایی از مسائل اجتماعی اسلامی است که دلایل عقلی و نقلی فراوانی بر اقامه آن وارد شده است، اما برخی به ویژه مستشرقین یا به دلیل عدم شناخت کافی از فلسفه تشریح جهاد و شرایط آن به ویژه در مورد جهاد ابتدایی یا از روی غرض ورزی، اسلام را به خشونت و توسل به زور برای تحمیل عقیده متهم کرده‌اند و به این ترتیب به اصل مهم و کاربردی جهاد در اسلام حمله کرده‌اند. حکم جهاد برای رشد، ترقی و تکامل انسان و باهدف رفع موانع از مسیر حرکت تکاملی انسان وضع و تشریح شده است.

واژگان کلیدی: آیات جهاد، مستشرقان، جهاد ابتدایی، جهاد دفاعی، صلح.

۱. استاد یار گروه فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: mmajd.ahmad@yahoo.com

۲. دانش پژوه دکتری تفسیر تطبیقی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده

مسئول)

Email: Saberi6363@yahoo.com

ORCID: 0009-0000-5088-8229

۱. مقدمه

تشریح جهاد در اسلام برای رفع موانع از مسیر حرکت تکاملی انسان امری لازم و ضروری است. بنابراین، وجود قانون جهاد با اهداف عالی خود نه تنها مایه تعجب نیست، بلکه از افتخارات دین اسلام است. در دین اسلام برخلاف مذاهب انحرافی، همه چیز بر محور توصیه‌ها، نصایح و اندرزها دور نمی‌زند، بلکه در مواردی مبارزه جدی با دشمنان دین لازم است. تشریح اصل جهاد در اسلام نه فقط با اصالت صلح تنافی ندارد، بلکه مکمل یکدیگرند و جهاد برای درهم کوبیدن ظالمانی که به عقل و منطق گردن نمی‌نهند تشریح شده است. درباره حکم جهاد ابتدایی در اسلام، این اشکال از سوی برخی مستشرقان مطرح شده است که جهاد ابتدایی با آزادی عقیده و مذهب منافات دارد. برای دستیابی به پاسخ مناسب، مقتضای حکم عقل، عدالت و انصاف باید منابع معتبر اسلامی را بررسی و با توجه به آن اظهار نظر کرد. بدیهی است که ملاک حقیقی در این زمینه قرآن کریم، عملکرد پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام است نه رفتار حکومت‌های خودکامه‌ای که به جای خدمت به اسلام، خیانت روا داشتند. بحث تفکیک بین عمل مسلمین و سپاه اسلام با آموزه‌های دینی، بسیار مهم و کلیدی است و اگر اشکالی وارد باشد در عملکرد اشتباه بعض مسلمین است و هرگز متوجه آموزه‌های وحیانی اسلام نیست.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. جهاد در لغت

جهاد از نظر لغوی واژه‌ای عربی از ریشه (ج ه د) به معنای مشقت، تلاش، مبالغه در کار، به‌نهایت چیزی رسیدن و توانایی است. (خلیل بن احمد فراهیدی، ۱۴۱۰ ه. ق، ۳ / ۳۸۶، ذیل جهد)

۲-۲. جهاد در اصطلاح

جهاد نوع خاصی از تلاش به معنی مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های دیگر خود باهدف گسترش اسلام یا دفاع از آن است. در اصطلاح فقهی، جهاد به معنای جنگ مشروع در راه خدا و نبرد با کافران، مشرکان و باغیان است.

۲-۳. جهاد دفاعی

مقابله و پیکار مسلمانان با کافران ذمی و غیرذمی، مشرکان و یاغی آن مهاجم به سرزمین‌های اسلامی گفته می‌شود که به قصد تعدی و تجاوز به جان و ناموس مسلمانان، تصرف زمین و خانه و غصب اموال، املاک، مستغلات و دارایی‌ها یا اخراج مسلمانان از موطن و سرزمین اسلامی انجام شده است.

۲-۴. جهاد ابتدایی

برای جهاد ابتدایی تعریف دقیق و جامعی در کلمات فقها و مفسران ذکر نشده است و اگر هم ذکر شده باشد حدود و ثغور آن به خوبی بیان نشده است. جهاد ابتدایی دو قید دارد. جهاد ابتدایی به آغازگری جهاد از سوی مسلمانان، ضدکافران و مشرکانی می‌گویند که از ناحیه آنها نه تنها تهاجم بالفعل، بلکه حتی تهاجم بالقوه نیز وجود نداشته باشد؛ یعنی حتی ترس هجوم نیز از جانب کفار و مشرکان و ضدمسلمانان وجود نداشته باشد و مشرکان و کافران حتی مشغول فتنه‌انگیزی و توطئه نیز نباشند. از کلمات برخی فقها قید نخست و از کلام برخی دیگر هر دو قید استفاده می‌شود. (جصاص، ۱۴۱۵ ه.ق، ۶۵/۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ص ۳۵۳) تعریف دوم جهاد ابتدایی به آغازگری جهاد از سوی مسلمانان ضدکافران و مشرکانی گفته می‌شود که از ناحیه آنها هر چند تهاجم بالفعل وجود نداشته باشد، ولی تهاجم بالقوه وجود داشته باشد؛ یعنی زمینه فتنه‌انگیزی و جنگ‌افروزی آنها و اشتغال به توطئه‌چینی ضدمسلمانان وجود دارد یا در حال انجام است.

در برابر تقسیم دوگانه مشهور به ابتدایی و دفاعی دو دیدگاه وجود دارد: گروه نخست هر چند اصل تقسیم مشهور را پذیرفته‌اند، مدعی‌اند که حقیقت جهاد ابتدایی به جهاد دفاعی بازمی‌گردد؛ زیرا از نظر ایشان، تشریح جهاد ابتدایی برای دفاع از دین و دعوت الهی بوده است. از این رو، جواز آن مقید به مخاطره افتادن دین توسط کافران و مشرکان بوده و اسلام نسبت به حمله بر کفار و مشرکانی که اذیت، آزار و نقشه‌ای ندارند اجازه مطلق صادر نکرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۶۶/۲؛ مطهری، ۱۳۷۲، ۵۱/۱) برخی دیگر مانند صاحب تفسیر المنار

تقسیم مشهور را تقسیم درستی نمی‌دانند و از ریشه، منکر وجود جهاد ابتدایی می‌شوند. با این ادعا که: «از آیات قرآن استفاده می‌شود که جهاد فقط در فرضی جایز است که کافران و مشرکان به مسلمانان حمله کنند و در این صورت اسلام اجازه دفاع و مقابله به مسلمانان داده است و تمام آیات جهاد فقط در مورد جهاد دفاعی بوده، حتی تمام جنگ‌هایی که پیامبر ﷺ داشته دفاعی بوده است» (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۳۱).

برخی پیروان این نگرش پا را فراتر از انکار وجود جهاد ابتدایی گذاشته‌اند و مدعی شده‌اند: «آنچه فقها گفته‌اند این است که جهاد اصلی در اسلام این است که دین با جنگ ابتدایی و قدرت اسلحه بر مردمی که اسلام را قبول ندارند، اگرچه بی‌آزار باشند، تحمیل شود و این یک تکلیف الهی است در حالی که جنگ ابتدایی با کفار بی‌آزار، تحریم شده است. آنچه در قرآن و سیره پیامبر ﷺ است - که به این نتیجه رسیدم که هست - با آنچه فقها در متون فقهی جهاد به‌گونه‌ای که در قرآن و سیره پیامبر نوشته‌اند، در دو قطب مخالف قرار دارند». (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۱) این ادعاها به دلایل گوناگون باطل است از جمله اینکه برخی از جنگ‌های پیامبر دفاعی نبود، بلکه ابتدایی بود. دیگر اینکه با استناد به آیات و روایات ثابت می‌شود که این نوع جهاد نه تنها در اسلام مشروع است، بلکه در برخی موارد واجب نیز است. بر این اساس، آنچه فقهای عظام نسبت به جهاد ابتدایی فرمودند برگرفته از قرآن کریم می‌باشد و ادعای مدعی خلاف قرآن است.

۲-۵. استشراق و مستشرق

استشراق به مطالعات غربی‌ها درباره فرهنگ شرق به‌ویژه هر چیزی که متعلق به تاریخ، زبان، رسوم، هنر، علوم، عقاید و عادات باشد، گفته می‌شود. بنابراین، مستشرق کسی است که درباره آنچه مربوط به مشرق زمین است، تحقیق می‌کند. (علی‌الصغیر، ۱۴۱۳ ه.ق، ص ۱۱) شرق‌شناسان آن دسته از دانشمندان غربی [اروپایی] هستند که به بررسی میراث شرق یعنی، فرهنگ عربی، تاریخ عرب، اسلام، مسلمانان و علوم، آداب، اخلاق و سنت‌های آنها به‌طور خاص می‌پردازند، ولی باید گفت این تعریف دقیقی نیست؛ زیرا در عمل، معنایی که از شرق‌شناس به ذهن متبادر

می‌شود مطالعه اسلام و مسلمانان است. شاید علت این امر بیشتر به دلیل رویکرد گسترده محققان یهودی و مسیحی به مطالعه اسلام و مسائل مربوط به آن بوده است. در حالی که برخی از شرقیان و محققان مسلمان که از نظر جغرافیایی در غرب هستند از مستشرقان شمرده شده‌اند.

۲-۵-۱. پیشینه استشراق

قبل از ظهور دین اسلام، دانشمندان یهودی و مسیحی و دیگر ادیان با توجه به بشارت پیامبران قبل و کتب آسمانی خود همواره در حال مطالعه و درانتظار پیامبر و دین خاتم بوده‌اند. در طول تاریخ نیز مسئله ظهور نبی خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مورد انتظار و کنکاش و سفارش علمای آنها بوده است، اما بعد از ظهور دین اسلام این انتظار به اشکال گوناگون به ویژه در بین یهودیان به بیراهه رفت. برخی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را از طایفه و قوم خود می‌پنداشتند وقتی این انتظارشان برآورده نشد دستخوش انحراف و دشمنی شدند و سعی کردند با دشمنی و مقاومت و حتی وارد کردن اسرائیلیات به دین مقدس اسلام خدشه وارد کنند. ناگفته پیداست این انحرافات، جعلیات و عدم پذیرش باوجود بی‌پایگی تاکنون ادامه دارد و در آینده هم تداوم خواهد داشت. بنابراین، تاریخچه استشراق و مطالعات استشراقی را می‌توان هم‌زمان با ظهور دین مقدس اسلام دانست. اصطلاح استشراق و مطالعات استشراقی به طور رسمی و با این نام از قرن هشتم میلادی آغاز شد. نخستین مستشرق به نام یوحنا دمشقی با نوشتن دو کتاب علیه اسلام با نام محاوره مع مسلم و ارشادات النصری فی جدل المسلمین دشمنی خود را آشکار کرد. از عناوین این دو کتاب پیداست که وی درصدد تقویت علمی مسیحیان بود تا در مناظرات و مجادلات بر مسلمانان استیلا یابد. (زمانی، ۱۳۸۸، ص ۵۶) پیداست که فعالیت‌های شرق‌شناسان برای احترام و اهتمام به میراث اسلامی نبوده و نیست، بلکه از یک سو به دلیل نیاز آنها به منابع غنی اسلامی و از سوی دیگر، معارضه با اسلام و گسترش آن و استعمار ممالک اسلامی در عرصه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی و... و فراهم کردن زمینه فعالیت‌های تبشیری است.

۳. آیات جهاد در قرآن کریم

جهاد با دشمنان اسلام یکی از فروع دین و از واجبات مورد تأکید مهم اسلامی است. قرآن کریم پیوسته مؤمنان را به جهاد با جان و مال خود در راه خداوند متعال دعوت می‌کند. پیکار و جهاد با جان یا جهاد مسلحانه دوگونه است: جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی. جهاد دفاعی از بدیهیات انسانی است. در مورد لزوم جهاد دفاعی بحثی نیست. دفاع از جان، مال، عقیده، دین و آیین و آنچه برای انسان اهمیت و حرمت دارد یکی از حقوق طبیعی بشر است که در محضر عقل سلیم قابل بحث و مناقشه نیست. حکم جهاد در مدینه تشریح شده است. بنابراین، واژه جهاد و مشتقات آن در آیات مکی در معنای عام و لغوی آن به کار رفته است. (ر.ک.، عنکبوت: ۶، ۸، ۶۹؛ لقمان: ۱۵) نخستین آیه درباره تشریح جهاد (ر.ک.، حج: ۳۹، ۴۰) به جهاد دفاعی اختصاص دارد. آیات متعددی در بسیاری از سوره‌های مدنی به ویژه بقره، انفال، آل عمران، توبه و احزاب به جهاد و مباحث متعلق به آن می‌پردازد، البته در تحلیل این آیات نباید شأن نزول آنها و اهداف اساسی پیامبر ﷺ را به ویژه در زمینه فلسفه جنگ و صلح از نظر دور نگاه داشت.

-آیه اول: «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ؛ با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا و نه به روز جزا ایمان دارند و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده است، حرام می‌شمردند و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند». (توبه: ۲۹)

-آیه دوم: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ جنگ بر شما مقرر شد، در حالی که آن را ناخوش دارید. شاید چیزی را ناخوش آرید و در آن خیر شما باشد و شاید چیزی را دوست داشته باشید و برایتان ناپسند افتد. خدا می‌داند و شما نمی‌دانید». (بقره: ۲۱۶)

-آیه سوم: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ کسانی که ایمان آورده‌اند و آنان که مهاجرت کرده‌اند و در راه خدا جهاد نموده‌اند به رحمت خدا امید می‌دارند و خدا آمرزنده و مهربان است». (بقره: ۲۱۸)

-آیه چهارم: «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ. فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ هرگاه آنها را بیابید، بکشید و از آنجا که شما را رانده‌اند، برانیدشان که فتنه از قتل بدتر است و در مسجد الحرام با آنها نجنگید مگر آنکه با شما بجنگند و چون با شما جنگیدند، بکشیدشان که این است پاداش کافران». (بقره: ۱۹۱ و ۱۹۲)

-آیه پنجم: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يقاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛ کسانی که با شما جنگ می‌کنند در راه خدا بجنگید و تعدی نکنید؛ زیرا خدا تعدی‌کنندگان را دوست ندارد». (بقره: ۱۹۰)

-آیه ششم: «وَلَنَبَلِّغُكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبَلِّغُكُمْ وَأَخْبَارَكُمْ؛ و شما را می‌آزماییم تا مجاهدان و صابرانتان را بشناسیم و حدیثتان را آشکار کنیم». (محمد: ۳۱)

-آیه هفتم: «فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثَخْتُمْوَهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَنَّا بَعْدُ وَ إِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالُهُمْ؛ چون با کافران روبه‌رو شدید گردنشان را بزنید و چون آنها را سخت فروگرفتید اسیرشان کنید و سخت ببندید و آن‌گاه یا به منت آزاد کنید یا به فدیة تا آن‌گاه که جنگ به پایان آید و این است حکم خدا و اگر می‌خواست از آنان انتقام می‌گرفت، ولی خواست تا شما را به یکدیگر بیازماید و آنان که در راه خدا کشته شده‌اند اعمالشان را باطل نمی‌کند».

-آیه هشتم: «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ به جنگ بروید، خواه بر شما آسان باشد، خواه دشوار و با مال و جان خویش در راه خدا جهاد کنید اگر بدانید خیر شما در این است». (توبه: ۴۱)

-آیه نهم: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ خدا از مؤمنان جانها و مال هایشان را خرید تا بهشت از آنان باشد در راه خدا جنگ می‌کند چه بکشند چه کشته شوند. وعده‌ای که خدا در تورات و انجیل و قرآن داده است به حق به عهده اوست و چه کسی بهتر از خدا به عهد خود وفا خواهد کرد بدین خرید و فروخت که کرده‌اید، شاد باشید که کامیابی بزرگ است». (توبه: ۱۱۱)

آیه دهم: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ؛ آنان که ایمان آورده‌اند و مهاجرت کرده‌اند و در راه خدا جهاد کرده‌اند به حقیقت مؤمنان‌اند، آموزش و روزی نیکو از آن آنهاست». (انفال: ۷۴)

-آیه یازدهم: «وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ و کسانی که بعداً ایمان آورده‌اند و مهاجرت کرده‌اند و همراه شما جهاد نموده‌اند از شماست به حکم کتاب خدا، خویشاوندان به یکدیگر سزاوارترند و خدا بر هر چیز داناست». (انفال: ۷۵)

۴. طرح مسئله اشکال بعض مستشرقان

مسئله مورد بحث و مناقشه، جهاد ابتدایی است. درباره جهاد ابتدایی این اشکال از سوی بعض مستشرقان مطرح شده است که جهاد ابتدایی با آزادی عقیده و مذهب منافات دارد؛ زیرا در این جهاد، مسلمانان بدون اینکه از طرف کشور یا ملتی مورد حمله و یا تهدید واقع شده باشند برای بسط و گسترش اسلام به سرزمین‌های دیگر یورش می‌برند و از آنها می‌خواهند تا به آیین

اسلام ایمان آورند. بدیهی است که نفوذ و ورود نیروهای مسلح در يك سرزمین، موجب رعب و وحشت مردم آن سرزمین می‌شود و پذیرش اسلام از طرف آنها آگاهانه و آزادانه نخواهد بود، بلکه از روی رعب، ترس و با اجبار و اکراه انجام می‌شود. بنابراین، جهاد ابتدایی با اصل آزادی عقیده و مذهب سازگاری ندارد. این امر سبب شده است که مستشرقان، گسترش اسلام را در سرزمین‌های دیگر خارج از شبه جزیره عربستان، نتیجه قدرت نظامی و شمشیر بدانند و اسلام را دین خشونت و شمشیر معرفی کنند.

منتسکیو می‌گوید: «دیانت اسلام که به زور شمشیر بر مردم تحمیل شده است چون اساس آن متکی بر جبر و زور بوده باعث سختی و شدت شده است و اخلاق و روحیات مردم را شدید می‌کند». (منتسکیو، ۱۳۴۹، ص ۶۷۱)

قاضی لوریمر در نوشته‌ای که در سال ۱۸۸۳ میلادی منتشر کرد، می‌نویسد: «مادام که اسلام باقی است صلح و سازش پیروان اسلام حتی با کلیمی‌ها و مسیحی‌ها و از این بالاتر با سایر افراد بشر يك مسئله لاینحل خواهد بود». (جیمس لوریمر، ۱۸۸۳، ۱۰۱/۱؛ به نقل از: خدوری، ۱۳۵۵، ص ۴۲۳)

مجیدی خدوری مسیحی عراقی الاصل ادعا می‌کند: «هدف اسلام و مسیحیت ایجاد دین واحد و امپراتوری وسیع جهانی است به گونه‌ای که نه در حال جنگ و نه در حال صلح، دیگر دولت‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد». (خدوری، ۱۳۵۵، ص ۷۲)

برنارد لوییس، خاورشناس انگلیسی می‌نویسد: «اسلام خود را تنها دین برحق، نهایی و جهانی می‌شناسد و براساس تفوق و برتری مسلمانان و کشور اسلامی، سیاست‌گذاری کرده است و جهان را به دو ناحیه دارالاسلام و دارالکفر تقسیم و بین آن دو حالت جنگ دائمی برقرار کرده است تا زمانی که جهان را تحت کنترل خود آورد. حکومت اسلامی همواره بر این عقیده است که همه مردم جهان یا باید مسلمان شوند یا خود را برای جنگ با اسلام آماده کنند. این اعتقاد تا زمان شکست امپراتوری عثمانی و جریان تسخیر دین در سال ۱۵۲۹ میلادی ادامه

داشت. تنها در این زمان بود که اصل شناسایی ازسوی حکومت اسلامی مطرح و ایجاد روابط دوستانه و دیپلماسی با جهان غیرمسلمان آغاز شد. (بهزادی، ۱۳۵۱، ص ۱۱۶)

این ادعاها امروزه به صورت دیگر و در قالب شبهات نوین مطرح می شود از جمله: اسلام دین خشونت است، جهاد با اصل عمومی حقوق بشر به نام آزادی عقیده مغایرت دارد. به بیان دیگر، شبهاتی که در این زمان مطرح می شود، تازگی ندارد. منشأ اتهامات، اگر نتوان گفت که اغراض سیاسی است عدم تفکیک میان نظر و عمل است. چه اینکه گاه شکاف عمیقی بین آن دو پدید می آید. باید میان دیدگاه اصیل اسلام با آنچه در عمل، بعضی از حکام و فرمانروایان کشورهای اسلامی مرتکب شده اند و عملکرد آنها براساس موازین اسلامی نبوده است تفاوت قائل شد. خلط بین نظر و عمل، بیشتر مستشرقان را به خطا و انحراف کشانده است؛ زیرا آنها به جای مراجعه به تعالیم اصیل اسلامی، نظریات خود را براساس رفتار بعضی حکام در بعضی از مقاطع تاریخ. سیاست جنگ و گریز حکومت ها. ارائه کرده اند.

۵. سیر تشریح آیات جهاد ابتدایی در قرآن کریم

باتوجه به تعدد آیات قرآن درباره جهاد، مشهور فقها معتقدند که این آیات بر وجوب جهاد ابتدایی دلالت دارند، هرچند قول شاذ و نادری نیز عکس این مطلب را استفاده کرده است، البته همه فروع دینی در مدینه تشریح نشد، بلکه برخی از آنها مانند مسئله اذن در جهاد، پیش از هجرت به مدینه و در مکه تشریح تدریجی آن آغاز شد، سپس مانند مسئله خمر و ربا، سایر مراحل تشریح تدریجی آن در مدینه تکمیل شد. در موضوع جهاد، دو تقسیم درمیان کلمات فقها و مفسران برای مراحل تشریح جهاد ابتدایی به چشم می خورد. تقسیم نخست در کلمات علامه طباطبایی دیده می شود که آیات جهاد دو مرحله ای دانسته شده است. مرحله ای که قتال غیرمشروع و مرحله ای که قتال مشروع بوده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه. ق، ۲/۶۴) تقسیم دوم، تقسیم گسترده تری است که در کلمات برخی دیگر آمده و پنج مرحله دارد: مرحله لزوم

کف و خودداری از قتال، مرحله اذن در قتال، مرحله وجوب جهاد دفاعی، مرحله ترغیب به جهاد ابتدایی، مرحله وجوب جهاد ابتدایی.

۵-۱. آیات مربوط به جهاد ابتدایی در قرآن کریم

جهاد ابتدایی به معنای جنگ با مشرکان و کفار برای دعوت آنها به اسلام، توحید و برقراری عدالت است. در این نوع از جهاد، مسلمانان آغازگر نبردند و هدف مجاهدان از بین بردن سیطره کفر و فراهم کردن امکان گسترش دین الاهی است. (ر.ک.، بقره: ۱۹۳؛ انفال: ۳۹؛ جصاص، ۱۴۱۵ ه.ق، ۶۵/۳؛ قرطبی و طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ذیل بقره: ۱۹۳) پس از فتح مکه در سال هشتم هجری، آیاتی نازل شد که به حسب ظاهر بر جنگ با همه مشرکان در هر مکان و زمان دلالت دارد (ر.ک.، توبه: ۵، ۴۱، ۳۶). به نظر برخی از مفسران و فقها (خویی، ۱۳۹۵، ص ۳۰۵) این آیات به ویژه آیه ۵ سوره توبه مشهور به آیه سیف، آیات دیگری را که به گونه‌ای دال بر مدارا کردن با مشرکان است (ر.ک.، اعراف: ۱۹۹؛ بقره: ۱۰۹؛ انعام: ۱۱۲؛ حجر: ۸۵؛ زخرف: ۸۹) نسخ کرده است (ر.ک.، طوسی، بی تا، ذیل بقره: ۸۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ذیل انعام: ۱۵۹؛ سجده: ۳۰؛ ابن جوزی، ۱۴۰۵، ص ۲۴۲). شماری از مستشرقان نیز در موافقت با حکم نسخ گفته‌اند که تنها آیاتی که به ظاهر مسلمانان را به جهاد با مشرکان از جمله اهل کتاب در هر زمان و مکان دعوت می‌کند به قوت خود باقی هستند و بقیه آیات که وجوب جهاد را منوط به وجود شرایط خاصی مانند فتنه‌انگیزی دشمنان کرده‌اند، منسوخ شده‌اند. در برابر، مخالفان نسخ بر آن هستند که با توجه به قواعد نسخ آیات قرآن و تاریخ و شأن نزول آیات مورد نظر، امکان نسخ آنها وجود ندارد (ر.ک.، رشیدرضا، ۱۳۶۶، ۲/۲۱۵؛ خویی، ۱۳۹۵، ۳۵۳/۳۰۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ذیل بقره: ۲۵۶؛ حجر: ۸۵).

فقه‌های اهل سنت، جهاد ابتدایی را در صورت وجود مصلحت اسلام و مسلمانان در آن که حاکم چه عادل چه فاسق آن را تشخیص می‌دهد، واجب دانسته‌اند. (جصاص، ۱۴۱۵ ه.ق، ۱۵۴/۳) به نظر آنها اطاعت از حاکم در امر جهاد مانند نمازهای پنج‌گانه واجب است. بیشتر فقه‌های امامی، وجوب جهاد ابتدایی و حتی مشروعیت آن را منوط به موافقت و اجازه امام معصوم یا نایب او می‌دانند (طوسی، بی تا، ۸/۲). مراد این فقها از نایب امام، نایب خاص است

توصیه می‌کرد، اما آن هنگام که آنها توسط مشرکان از شهر، دیار، خانه و کاشانه خود بیرون رانده شدند و مال و ثروتشان توسط مشرکان تاراج شد خداوند به آنها اجازه پیکار داد. آیا چنین پیکاری جز دفاع از حقوق طبیعی و مشروع انسانی، ماهیت دیگری دارد.

قرآن کریم در جای دیگر می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يِقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَاقْتُلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ؛ در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حدود الهی تجاوز نکنید؛ زیرا خداوند تجاوزگران را دوست ندارد. کسانی که با شما می‌جنگند هر جا یافتید، بکشید و آن گونه که آنان شما را از دیارتان بیرون کردند آنها را از دیارشان بیرون کنید و بدانید که فتنه‌گری از قتل بدتر است. جنگ خواهان را بکشید تا فتنه‌گری از بین برود و دین به خداوند اختصاص یابد، پس اگر از فتنه‌گری و جنگ‌افروزی دست برداشتند بر آنان تعدی نکنید؛ زیرا جز ستمگران نباید متعرض کسی شد». (بقره: ۱۹۰-۱۹۳) این آیات نیز بیان می‌دارد که مسلمانان وظیفه دارند با کسانی پیکار کنند که آهنگ جنگ با آنها را دارند و نباید در جنگ با دیگران راه تعدی را برگزینند مانند اینکه پیش از دعوت دیگران به آیین توحید و روشن شدن حقیقت برای آنها اقدام به جنگ کنند یا بدون اینکه دیگران قصد جنگ با آنها داشته باشند جنگ را آغاز کنند یا در جنگ با دشمن، کودکان، زنان و افراد ناتوان را بکشند یا دعوت به آتش‌بس را نپذیرند و مانند آن (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۶۱/۲). آنچه از این آیات به دست می‌آید، این است که جهاد با کافران نوعی اقدام تلافی‌جویانه و بازدارنده است تا آیین اسلام و امت اسلامی از خطر تعدی کافران در امنیت به سر برد.

در آیه دیگر می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لِاتِّقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلِهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛ چرا در راه خدا و به‌انگیزه نجات مردان، زنان و کودکان مستضعف جهاد نمی‌کنید. کسانی که می‌گویند پروردگار ما را از این قریه‌ای که ساکنانش ستمکارند، بیرون ببر و

از پیشگاه خود برای ما سرپرست و یآوری قرار بده». این آیه نیز آرمان و فلسفه جهاد اسلامی را به روشنی بیان کرده است؛ این آرمان چیزی جز حرکت در مسیر الهی و دفاع از مردان، زنان و کودکان مستضعفی که گرفتار ظلم و ستم کافران شده‌اند، نیست. قرآن کریم تصریح می‌کند که خداوند مسلمانان را از روش مسالمت‌آمیز و آمیخته با احسان و عدالت با کافران باز نداشته است، بلکه تنها آنها را از داشتن رابطه دوستانه با آن دسته از کافران که مسلمانان را از دیارشان بیرون کرده و با آنها به جنگ پرداخته‌اند برحذر داشته است چنان که می‌فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يَخْرُجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ خداوند شما را از نیکی و عدالت در مورد کسانی که با شما درباره دین سرجنگ ندارند و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند نهی نمی‌کند؛، زیرا خداوند قسط‌پیشگان را دوست دارد. فقط خداوند شما را از دوستی با کسانی که در مورد دین با شما جنگیدند و شما را از سرزمینتان بیرون کرده‌اند، نهی می‌کند، کسانی که با آنان دوستی کنند ستمگر خواهند بود» (ممتحنه: ۸-۹).

این قانون اسلامی، عادلانه‌ترین، حکیمانه‌ترین و انسانی‌ترین قانونی است که می‌توان درباره برخورد با دشمنان و بیگانگان تصور کرد؛ زیرا آن‌گاه که بیگانگان قصد توطئه، خصومت و جنگ با امت اسلامی نداشته باشند نه تنها نباید با آنها جنگ کرد، بلکه احسان و نیکی به آنها نیز پسندیده است، ولی آن‌گاه که دست به توطئه و خصومت می‌زنند نباید با آنها پیوند دوستی برقرار کرد؛ زیرا چنین پیوندی مایه سرشکستگی و ذلت امت اسلامی خواهد شد.

۶-۲. جهاد یا دفاع از حریم انسانیت

جهاد اسلامی به‌انگیزه سرکوب کردن فتنه‌ها و مقابله با متعديان و متجاوزان به جان، مال و کيان امت اسلامی تشریح شده است نه به منظور تحمیل عقیده و مذهب اسلام بر دیگران. اگر این حکم و قانون اسلامی با توجه به اصل فطرت در جهان بینی اسلامی مورد توجه قرار گیرد روشن می‌شود که جهاد اسلامی جنبه دفاعی دارد. دفاع از یکی از بنیادی‌ترین حقوق فطری

بشر که عبارت است از توحید و یکتاپرستی. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰). براین اساس، شرك و بت‌پرستی بزرگ‌ترین انحرافی است که در مسیر فطرت رخ داده است. شرك و بت‌پرستی بدترین قید و زنجیری است که گوهر پاك انسانی یعنی، فطرت توحید را به اسارت می‌کشد. ازسوی دیگر، واقعیت‌های تاریخی به روشنی بیانگر آن است که مستکبران یعنی، صاحبان زر، زور و سلطه، منادیان و حامیان شرك و بت‌پرستی بوده‌اند و از بیداری فکری و آزادی جوامع زیر سلطه و ستم خود از اسارت شرك و بت‌پرستی، سخت‌نگران و ناراضی بوده و مانع نشر دعوت حق و آیین توحید شده‌اند. بنابراین، پیامبران الهی و پیامبر اکرم ﷺ مأموریت یافتند تا آیین توحید را ترویج کنند و در راه رهایی بشر از اسارت شرك و بت‌پرستی به جهاد فکری، عملی و تبلیغی مبادرت ورزند و در صورت لزوم، برای فراهم کردن زمینه تبلیغ دست به جهاد مسلحانه بزنند.

جهاد مسلحانه در اسلام برای دفاع از حقوق فطری بشر تشریح شده است نه برای بسط و گسترش قلمرو سلطه و فرمان‌روایی و کشورگشایی. دفاع از حقوق فطری بشر با جهاد مسلحانه آنگاه مشروع است که راه‌های دیگر مانند دعوت، تبلیغ و روش‌های مسالمت‌آمیز، کارساز نباشد و این جهاد مفسد اجتماعی و انسانی دیگری نیز به دنبال نداشته باشد. گواه روشن اینکه انگیزه جهاد اسلامی، رهایی بشریت از اسارت شرك و بت‌پرستی است نه اینکه مخالفان اسلام از روی اجبار و الزام، آیین اسلام را بپذیرند. این است که پس از آنکه سپاهیان اسلام مملکتی را فتح می‌کردند پیروان دیگر ادیان توحیدی و اهل کتاب می‌توانستند با پذیرش يك سلسله شرایط و مقررات بر آیین خود باقی بمانند و آیین اسلام را نپذیرند. علامه طباطبایی در این باره بحث دقیقی دارد که در قسمتی از آن آمده است: «از دیدگاه قرآن، اسلام آیین توحید و مقتضای فطرت بشری است. همان فطرتی که کمال و سعادت انسان در گرو رعایت آن است. مقتضای این مطلب این است که قوانین فردی و اجتماعی بر مبنای توحید استوار باشد و نشر و بسط این اصل در میان مردم از حقوق مشروع بشری است که به هر وسیله ممکن باید در استیفا و حفظ آن تلاش کرد. شریعت اسلام در این باره راه اعتدال را برگزیده است؛ زیرا نخست

دعوت دیگران به توحید و تحمل آزارها و شکنجه‌ها در این راه را توصیه کرده است، سپس دفاع از کیان اسلام و امت اسلامی را واجب شمرده و سرانجام جهاد ابتدایی را تشریح فرموده است که درحقیقت به دفاع از حق انسانی و آیین توحید بازمی‌گردد. با این حال، پیش از اتمام حجت با دعوت خیرخواهانه و مسالمت‌آمیز به جهاد و قتال اقدام نکرده است چنان‌که سیره پیامبر ﷺ به روشنی بیانگر این حقیقت است.

رفتار پیامبر ﷺ در فتح مکه که با ایمان آوردن مشرکان همه ایشان را آزاد کرد و حتی به رئیس کفار ابوسفیان احترام زیاد گذاشت و بعد از ایمان آوردن او خانه او را مانند مسجد الحرام قرار داد و فرمود: «هرکس به مسجد الحرام برود یا به خانه ابوسفیان در امان است» تا جایی‌که حتی پیامبر ﷺ به سران قبایل شرک می‌فرمود: «اگر ایمان بیاورید، ریاست شما را بر سرزمین و مردم قبیله خودتان تضمین می‌کنم». این نمونه رفتارهای پیامبر ﷺ به وضوح نشان می‌دهد که هدف، فتح سرزمین‌ها، ثروت‌ها و ریاست طلبی نبوده است. قرآن کریم می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ باروش حکمت و موعظه پسندیده به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به‌روش احسن مجادله کن» (نحل: ۱۲۵).

و نیز می‌فرماید: «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيْنِهِ وَيُحْيِي مَنْ حَيَّ عَنْ بَيْنِهِ؛ تا هرکس که هلاک می‌شود از روی بینه و با دلیل روشن باشد و هرکس که راه حیات را برمی‌گزیند نیز از روی بینه و با دلیل روشن باشد»، اما اینکه در جهاد ابتدایی، مشرکان و بت‌پرستان یعنی، غیر اهل کتاب حق انتخاب ندارند و به پذیرش آیین توحید ملزم می‌شوند چاره‌ای جز این نیست؛ زیرا بت‌پرستی و الحاد، بدترین ظلم و ستمی است که بر فطرت انسانی می‌شود و هرگاه معالجه این خطر مهلک به‌روش عادی ممکن نباشد راهی جز غلبه و اکراه وجود ندارد. همان‌گونه که پیروان مکاتب دیگر نیز تخلف از قوانین مدنی را نمی‌پذیرند و همگان را بر پذیرش و عمل به آنها وادار می‌کنند هرچند به اعمال قدرت و خشونت بینجامد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه. ق، ۶۷/۲). بنابراین، در مواردی نیز که جهاد اسلامی بدون آنکه تهدید و تجاوزی از سوی ملت یا دولتی صورت گرفته باشد، تحقق یافته، می‌توان گفت این جهاد هرگز به‌انگیزه کشورگشایی یا اعمال سلطه و استیلا بر جان و مال دیگران

نبوده است، بلکه بدان سبب بوده است که موانع از سر راه دعوت اسلامی برداشته شود تا مردم از آیین توحید خالص آگاه شوند و حق فطری و اصیل خود را بازشناسند و از اسارت کفر و بت پرستی آزاد شوند. از این رو، اهل کتاب را که به این اصل فطری معتقدند در انتخاب اسلام یا باقی ماندن بر آیین خود آزاد گذاشته است. آنها در صورت باقی ماندن بر آیین خود، اهل ذمه به شمار می آیند که جان و مال آنها در امنیت کامل قرار دارد و در انجام مراسم دینی خود نیز آزادی کامل دارند. در این مورد، توصیه های پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره اهل ذمه درخور توجه است.

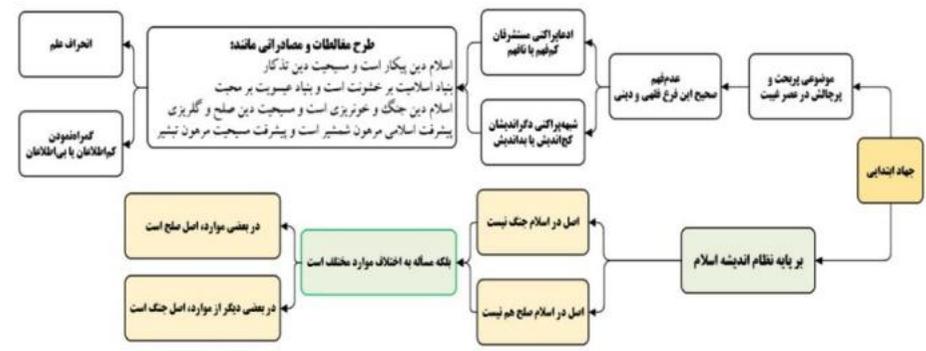
خداوند در قرآن می فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ به خدا تقوا بورزید و میان خود صلح برقرار کنید». (انفال: ۱) در آیه دیگر آمده است: «وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا؛ هرگز در زمین پس از آنکه کار آن به امر حق نظم و صلح یافت به فساد و تبهکاری برنخیزند» (اعراف: ۵۶). «الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يُصْلِحُونَ؛ مسرفین کسانی هستند که در روی زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند» (شعرا: ۱۵۲). هدف جهاد و صلح از نظر اسلام، نشر عقاید توحیدی و حاکمیت قوانین الهی بر جهان است. همه آنهایی که دم از صلح می زنند از این شعار ایده آل مفهوم واحدی ندارند. صلحی که اسلام می خواهد با آن معنایی که امروز از صلح در میان دولت ها متعارف است تفاوت دارد. صلح اسلامی معنی عمیق و وسیع تری دارد و آن عبارت است از: هم زیستی و سازشی که بانام خدا روی کره زمین برقرار شود و عبارت از عدالت و امنیت اجتماعی و عمومی برای همه مردم است.

صرف خودداری از جنگ، حتی درحالتی که اهریمن ظلم و زور و جهل و فساد بال و پرش را بر روی مردم جهان گسترانده باشد از نظر اسلام صلح تلقی نمی شود. صلح مورد نظر اسلام صلحی است که در آن همه ابنای بشر در يك جو و فضای آزاد و آرام فکری برای تبلیغ و نشر خداپرستی و تحقق کلمه والای خدا و تحکیم حاکمیت الهی بدون دغدغه خاطر با هم زندگی کنند و درکمال آزادی و استقلال از عدالت اجتماعی همه جانبه ای که خداوند برای آنها مقرر کرده است، بهره مند شوند. بنابراین، ملاحظه می شود که جهاد و صلح در اسلام اهداف یکسانی دارد. دفاع یا قتال، آخرین وسیله دفاع است و وقتی به آن متوسل می شوند که راه های دیگر

به نتیجه نرسد مانند آخرین دوا که همان داغ کردن، جراحی کردن و قطع کردن عضو فاسد در طب است. وقتی به آن متوسل می‌شوند که دواهای دیگر نتیجه ندهد؛ زیرا در قتال نیز بشر اقدام می‌کند به اینکه برخی از اجزای بدن یا افراد اجتماع از بین بروند تا بقیه نجات یابند و این سنتی است که در جوامع بشری جریان دارد. قتال در اسلام از فروعات همان سنت فطری است که در بشر جاری است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه. ق، ۵۴۵/۱۴)

۷. نتیجه‌گیری

همه احکام و قوانین اسلام برای رشد، ترقی و تکامل انسان است. حکم جهاد نیز در همین راستا و برای رفع موانع از مسیر حرکت تکاملی انسان وضع و تشریح شده است، اما برخی یا به دلیل عدم شناخت کافی از فلسفه تشریح جهاد در اسلام یا از روی غرض به‌ویژه مستشرقین، اسلام را متهم به خشونت و توسل به زور برای تحمیل عقیده ساخته‌اند و به این ترتیب، اصل مهم و کاربردی جهاد در اسلام را مورد حمله قرار داده‌اند. واقعیت آن است که روش‌شناسی مطالعات قرآنی خاورشناسان به دو دلیل امری دشوار است: یکی اینکه شیوه عملکرد آنها در مطالعات قرآنی هماهنگ نیست؛ دیگر آنکه دامنه این مطالعات از نظر موضوع و زمان بسیار گسترده است. برخی عناصر مشترک مشکل‌زا در روش آنها عبارتند از: ذهنیت‌ها و پیش‌فرض‌های آنها؛ مراجعه نادرست به منابع و مراجعه به منابع نادرست (خطای مراجعه)؛ خطا در استظهار از متون، برداشت‌ها، استنباط‌ها و استنتاج‌ها (خطای فهم).



بحث تفکیک بین عمل مسلمین و سپاه اسلام از آموزه‌های دینی بسیار مهم و کلیدی است و اگر اشکالی هست در عملکرد اشتباه بعض مسلمین است و هرگز متوجه آموزه‌های وحیانی اسلام نیست. جهاد و صلح هردو از ارکان برنامه‌های اسلامی است. اهدافی که در قرآن برای جهاد ذکر شده است منطقی و قابل عرضه بر دوست و دشمن است، ولی برای کسانی که اطلاع دقیقی از فلسفه تشریح جهاد در اسلام ندارند فهم این مطلب تا حدودی دشوار است. به نظر می‌رسد وحشت عده‌ای از پیشرفت اسلام در جهان به دلیل معارف قوی و برنامه‌های حساب شده، موجب شده است که از اسلام چهره دروغین و وحشتناکی بسازند تا جلو پیشرفت اسلام را در جهان بگیرند غافل از آنکه این وعده حتمی قرآن است که روزی اسلام جهان را فراخواهد گرفت.

فهرست منابع

- * قرآن حکیم (۱۳۸۷)، مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: مرکز طبع و نشر جمهوری اسلامی.
- * نهج البلاغه (۱۴۰۷ ه.ق). محقق: صبحی الصالح. قم: مؤسسه دارالهجره.
۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۴ ه.ق). النهایه فی غریب الحدیث والاثر. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲. بهزادی، حمید (۱۳۵۱). روابط بین‌المللی اسلام در دوره امپراتوری عثمانی. نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱۲، ۱۱۶-۱۱۸.
۳. جصاص، احمد بن علی (۱۴۱۵ ه.ق). احکام القرآن. بیروت: عبدالسلام محمد علیشاهین.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت. قم: مرکز نشر اسرا.
۵. حجازی، فخرالدین (۱۳۶۲). جنگ از دیدگاه نهج البلاغه. تهران: بعثت.
۶. خدوری، مجید (۱۳۵۵). جنگ و صلح در قانون اسلام. مترجم: سعیدی، غلامرضا. تهران: اقبال و شرکا.
۷. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۳۰ ه.ق). البیان فی تفسیر القرآن. تهران: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
۸. دوست محمدی، احمد (۱۳۸۲). دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام. تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۹. راوندی، قطب‌الدین سعیدبن عبدالله (۱۴۰۵ ه.ق). فقه القرآن. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۰. رشیدرضا، محمد (۱۳۶۶). المنار. قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
۱۱. زمانی، محمد حسن (۱۳۸۵). مستشرقان و قرآن. قم: بوستان کتاب.
۱۲. سعید، ادوارد (۱۳۶۱). شرق شناسی (شرقی که آفریده غرب است). مترجم: عسکری خانقاه، اصغر. و فولادوند، حامد. تهران: انتشارات عطایی.
۱۳. سید قطب، حسن البناء (۱۳۵۹). فلسفه جهاد در اسلام. مترجم: خضری، سید محمود. تهران: انتشارات اسلامی.
۱۴. صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۹۳). جهاد در اسلام. تهران: نشر نی.

۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ه. ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ ه. ق). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۹). مقاله قرآن و مشروعیت جهاد ابتدایی. نشریه قرآن، فقه و حقوق اسلامی، ۳ (۵)، ۱۳-۴۹.
۱۸. فخررزی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ ه. ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ ه. ق). العین. قم: نشر دارالصدر.
۲۰. قرطبی، محمدبن احمد (۱۳۶۴). الجامع لاحکام القرآن. تهران: ناصر خسرو.
۲۱. کاظمی، فاضل جواد (بی تا). مسالك الافهام الی آیات الاحکام. بی جا: بی نا.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲). جنگ و جهاد در قرآن کریم. قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۲۳. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ ه. ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز کتاب لترجمه والنشر.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). جهاد. تهران: انتشارات صدرا.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۹). تفسیر نمونه. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. منتسکیو (۱۳۴۹). روح القوانین. مترجم: مهتدی، علی اکبر. تهران: امیرکبیر.
۲۷. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ه. ق). جواهرالکلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. نوری، حسین (۱۳۶۷). جهاد. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.